

## از شما عباسی، از ما رقاصی !



### پیوسته به گذشته فضل اول قسمت یکصد و سی و هشتم:

هر چند این حکایت گونه را به مناسبت دیگری نیز از این قلم مالعه فرموده اید اما اکنون بار دیگر به ارتباط وضعیت کنونی کشور و راه چاره های از زمامداران شماره اول کشور وقتی در هر مجلس و محفل و ختم و خیرات " سیأ سی " حضور به هم میرسند ، مصداق این حکایت را پیدا میکنند . میگویند شخصی در مراسم ختم یکی از اموات سخنرانی میکرد و به جای بیان مشخصات و صفات و کار های خوب متوفی به بهانه های مختلف از خودش تعریف و تمجید میکرد . یکی از حاضران از جایی بلند شد و خطاب به سخنران گفت : آغا ! بالاخره ما نه فهمیدیم که این میت فوت کرده است یا شما به رحمت خدا رفته اید ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=HE5kylfyTtl&feature=youtu.be>

شما می بینید که جناب آقای محمد اشرف غنی سر قوماندان اعلاى قوای سه گانه و چند گانه کشور و رئیس جمهور منتخب مردم افغانستان که در عین حال یکی از پایه گزاران نظام کنونی مافیائی شبه بازار آزاد به شمار میرود چگونه پس از گذشت هژده سال تمام طی یک خطبه غرای اما متضاد و پارا دُکسیال هشدار داهیانیه می فرمایند که گویا پس از سال ۲۰۲۴ میلادی کمک های جامعه جهانی قطع می گردد و ما باید بر سر یک گفتمان ملی و ایجاد بیمه ملی بیایم . امروز که اتکای این خاک سر بیمه بین المللی است .. تا چند ؟ سال هفدهم است که به چنین کمک ها اتکاداریند !!



و هنوز اساسات نهادها نهادینه نه شده اند !!! آقای محمد اشرف غنی به عنوان یکی از معماران نظام کنونی مافیائی بازار آزاد در حالی این سخنان را ارائه میفرمایند که بیش از هر یکی از شخصیت های حقوقی و حقیقی شامل در نظام کنونی به عنوان یک متخصص انسان شناسی به خوبی میداند که انسان از لحاظ روان شناختی با تزریق بدون محاسبه امکانات و ظرفیت های ملی معتاد به مصرف شده و سرانجام مانند گل آفتاب پرست آنجای که بر این غریزه و وحشی ثروت و شهرت کاذب آب کثیفی از کاسه گدائی بریزند بدان رو می گردانند. سوال اینجا مطرح است که آیا ممکن است با مصارف و هزینه های سالانه بیش از پنج میلیارد دالر بر آرتش و نیروهای امنیتی مدعی استقلال سیاسی و اقتصادی شد ؟

خیا دوره - زما تنده  
حافظه ده .



و آيا جناب آقای محمد اشرف غنی بلانسبت رئيس جمهور منتخب مردم افغانستان که بیش از چهل سال عمر مبارک اش را در کشور های بیگانه بویژه ایالات متحده امریکا آنهم نه بحیث یک شهروند معمولی ان کشور بلکه با فرا گیری تعلیمات عالی امریکا و نه در حوزه ای که با اقتصاد و سیاست هیچگونه ارتباطی نداشته باشد بلکه در بخش جامعه شناسی و اقتصاد به قول خودش تا بر مدرک پروفیسوری نائل آمده به خوبی واقف است که بیست و چهار سال در حیات یک انسان شرقی عمر درازی است و پر روح و روان یک نسل میتواند هرگونه اثری را بر جاگذارد . و از همه مهمتر اینکه وی بیش از هر شهروند دیگر امریکا که از اقصای عالم در آنکشور زندگی میکنند بخوبی واقف است که در جهان کنونی بویژه در زیر چتر نظام اقتصادی بازار آزاد اصل مبارزه و تلاش بر محاسبات مادی استوار است و هیچکسی حاضر نیست تا یک دینار و دالر و حتی سنتی را نیز بدون برآورده ساختن اهداف و منافع مادی در قلمرو دیگری هزینه کنند . همیشه این سوال در ذهن من خطور میکند که درست است ما دارایی یک قانون اساسی ای که برای نخستین بار در مؤسسه رند وابسته به پینتاگون وزارت جنگ امریکا از سوی برخی مستشرقین زیر نام [دموکراسی و اسلام در قانون اساسی جدید افغانستان](#) تسوید گردید و با هزینه های گزافی از سوی لویه جرگه یا شورای بزرگ اعیان و بزرگان افغانستان به تصویب رسید و در آن به ظاهر از حقوق بشر نیز حمایت شده است اما به حکم صریح ماده دهم قانون اساسی افغانستان که : ماده دهم: دولت، سرمایه گزاریها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر **نظام اقتصاد بازار**، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن ها را تضمین می نماید. اما در عین حالیکه نظام اقتصاد بازار آزاد را به حیث معیار تمامی فعالیت های اقتصادی معرفی میکند در ماده هشتم آن دولت را به انجام وظائفی خاصی ملزم میسازد که در این باره چنین حکم می کند : ماده ششم: دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تامین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد. چنانچه مشاهده می فرمائید دولت را به وظائفی نیز ملزم میسازد که انجام آن در نظام اقتصاد بازار آزاد ناممکن میباشد . تیوری پردازان این نظام به شمول جناب آقای محمد اشرف غنی با اتخاذ تدابیر جانبی درحوزه حاکمیت قانون برخی اقداماتی را بصورت مستعجل اتخاذ نموده اند که این خود سبب بزرگترین آفات در جامعه روبه انکشاف افغانستان شده است . روی همین اصل میتوان گفت از آنجائیکه موتور اصلی نظام اقتصاد بازار آزاد را منافع تشکیل میدهند و برای رسیدن به آن نسلی که بیش از دو دهه با مصرف و تجمل معتاد شده باشد و با کمک های وافر خارجی به کاسه گدائی مبدل میشوند نه میتوان برای تحقق عدالت اجتماعی ، حفظ کرامت انسان – تحقق دموکراسی واقعی امیدوار بود .



## از شما عباسی، از ما رفاصی !

وقتی میگوئیم که اصولاً از همه محدوده های فرقه ای ، قومی و مذهبی باید بیرون آمد و به بررسی جهانی که همین اکنون دران زندگی میکنیم بپردازیم طبیعت و انسان دو موضوع اساسی اند که نه میتوان با شعارها و پشتیبانی های قدرتهای بزرگ مادی آن را تمام شده اعلام داشت . این قلم بار ها و بحیث کسی که نظام سرمایه دارای و اقتصاد بازار آزاد را منافای با آزادی واقعی ، عدالت اجتماعی و مردم سالاری راستین میدانم و این معادله بحیث بنیاد اندیشه ام از چندین دهه بدینسو در ذهن ام خطور میکند پیچیده گی های تکنیکی تمامی مکاتب اقتصادی بویژه اقتصاد بازار آزاد و اقتصادی با برنامه ریزی مرکزی یا " سوسیالیزم " را مرور نموده ام و شگفت آورآنگاه بود که من در انتخاب این دو مکتب تردیدی داشتم و این تردید حتی تا دیر و تا امروز در ذهنم خطور میکند و ضعف ها و نواقص هر دو مکتب آنگاه برایم روشن شد که ابعاد فلسفی آفرینش انسان را در تلسکوب فطرت وی مورد معاینه قرار دادم ، غالباً وقتی راجع به زندگی علمی و فلسفی انسان در هستی می اندیشیدم بسیاری از مسائل عینی و زندگی اجتماعی و پریشانی های انسانی موجود غافل می شدم اما در مسیر تحقیق و پژوهش به مسأله مهم جامعه شناسی یا " الیناسیون Alienation " که به عنوان یک فاجعه انسانی در میان این نسل مطرح است برخوردیم و دیدیم که چگونه انسان توانمندی بالقوه میتواند صاحب سرنوشت اش شود ویا هم بالعکس درمسیر راه رسیدن به ملکه کاذب ثروت و شهرت مصداق ضرب المثل معروفی شود که میگویند از شما عباسی ، از ما رفاصی !

